

به مناسبت تشکیل بنیاد بین‌المللی ساموئل بکت در دانشگاه ردینگ انگلستان

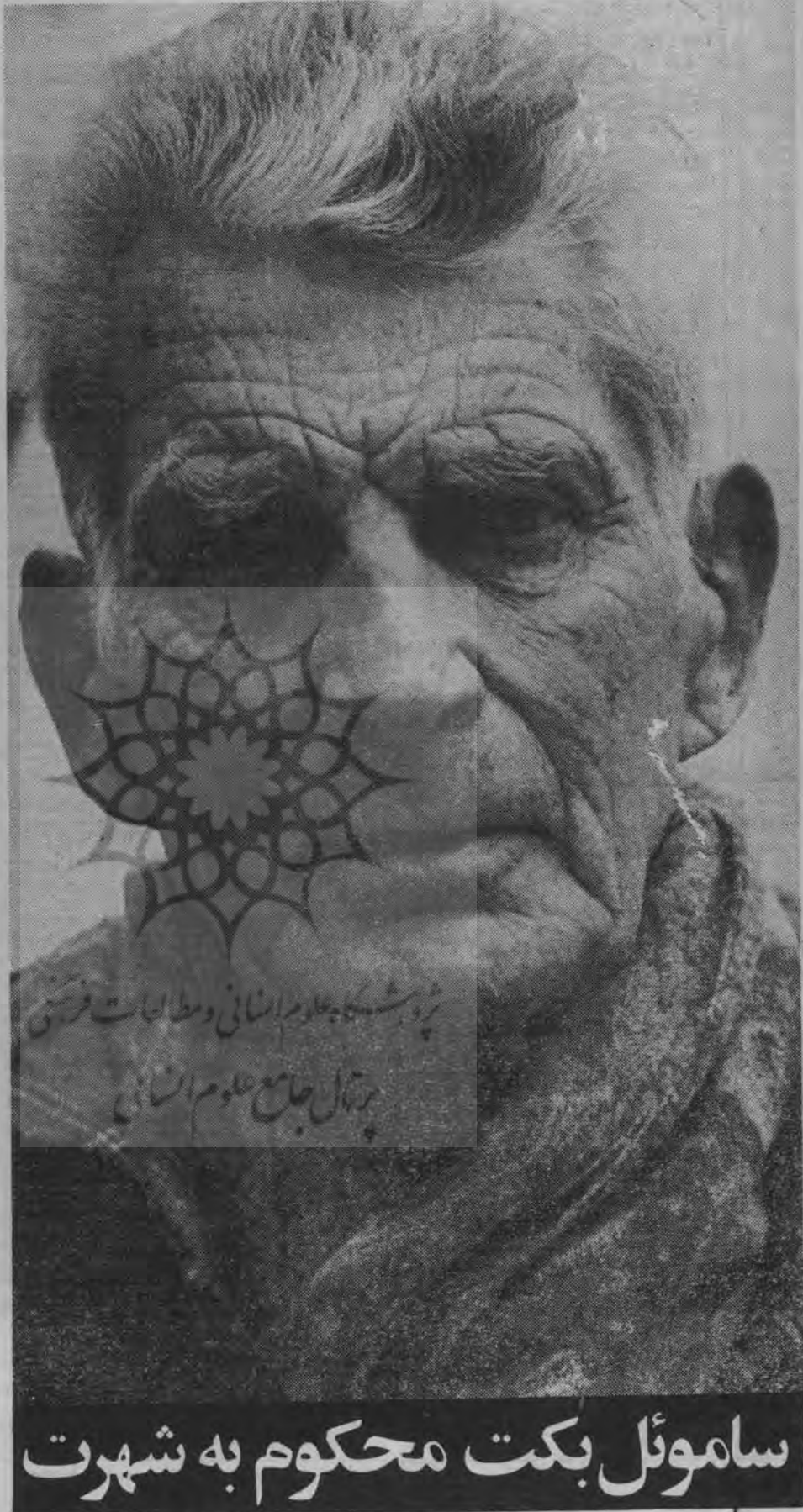
ترجمه گلی امامی

در هشتاد و دو سالگی و ساکن یک آپارتمان کوچک و کم‌اسباب و اثاثیه در پاریس، ساموئل بکت آخرین بازماندهٔ مدرنیستهای بزرگ قرن است. هیچ‌یک از کسانی که در سالهای دهه ۱۹۳۰ با جیمز جویس کار می‌کردند زنده نمانده‌اند. مع‌هذا، با وجودی که سی سال از زمانی که بکت معروفترین نمایشنامه‌این قرن "در انتظار گودو" را نوشت می‌گذرد و هنوز هم او و هم نمایشنامه‌اش بیشتر از (آوانگارد) باقی مانده‌اند. این‌ماه آخرین اثر او "حرکاتی هنوز" (Stirrings Still) منتشر می‌شود. یک تک‌نگاری خودزندگینامه دربارهٔ پیرمردی تنها که در اتاقی پشت میزی نشسته و با ترسها و اوهام ناشی از درد و جدال زندگی بحث و جدل می‌کند. محبوس در اتاقی غم‌انگیز و لخت درحالی که تنها نور دلخوش‌کننده از تنها پنجره می‌تابد، او با وسوسه‌این که وارد تاریکی کاملتر بشود در کشمکش است، جایی که "دیگر حرکتی نیست".

اما اگر شخصیت‌های بکت محدود به حداقل رفاه مادی هستند، خود او یکی از دست و دلبازترین افراد است. درحالی که هنوز مشغول آفرینش دنیای غیرواقعی عجیب و بخزده‌ای است که شخصیتها و صداها در سایه‌ای مطلق درحال نابودی هستند، وی سرمایه‌ای معادل میلیونها پوند را، به صورت دست‌نوشته و دفترچه‌های یادداشت بخشیده است. درطول هیجده سال اخیر تمام این مدارک به دانشگاه ردینگ تقدیم شده‌اند. شاید مکانی نامحتمل برای چنین گنجینه‌ای منحصر به فرد از شخصیتی جهانی.

در نوامبر سال ۱۹۸۸، به منظور بزرگداشت این هدیه و نیز ادامهٔ مطالعات آثار بکت بنیاد بین‌المللی ساموئل بکت در دانشگاه ردینگ تشکیل شد. این بنیاد که برآی نخستین بار مرکز متمرکزی برای محققان آثار بکت از سراسر جهان فراهم خواهد آورد، گرانمیه‌ترین عطیه‌ای را که تاکنون توسط نویسندهٔ زنده‌ای به دانشگاهی انگلیسی داده شده دریافت کرده است.

همزمان با تشکیل این بنیاد، بکت دفترچه‌ای شامل دست‌نوشتهٔ یادداشت‌هایی به این مجموعه افزوده است که دانشگاهیان معتقدند می‌تواند مسیر نقد آثار بکت را دیگرگون کند. این دفترچه که حدود پنجاه سال پیش نوشته شده و هرگز توسط محققین رویت نشده "Whoroscope" را که عنوان نخستین شعر



پروفسور ساموئل بکت و مطالعات فرانسوی  
برنال جامع علوم انسانی

ساموئل بکت محکوم به شهرت

## خانه روسی آخرین اثر جان لوکاره

"جان لوکاره" نویسنده‌ای با کتاب‌های هراسناک، دوازدهمین اثرش را که یک جاسوسی نامه برحادثه است، به چاپ داده است. از روسیه است، با عشق هم آمده است و "خانه" روسی نام دارد.

پانزده بیست‌سالگی است که قلم می‌زند. با نخستین اثرش، "بندزن، خیاط، سرباز، جاسوس"، به عالم نویسندگی راه یافت. از همان آغاز نشان داد که بیش از یک نویسنده آثار هراسناک است. اما در کتاب "خانه" روسی، می‌گوید که دوران تازه‌ای را به عنوان یک رومان‌نویس، آغاز کرده است.

داستان، مثل همیشه، ساده‌تر از پیچش‌های درون آن است. یک ناشر انگلیسی، میانه‌سال است و شخصیتی برای خودش، و یکی از همان شخصیت‌های نابی که "لوکاره" دوست می‌دارد. او دوستی نزدیک با یک دانشمند همیشه‌مست روسی دارد که از بی‌لیاقتی نظامی سرزمینش می‌نالند.

مأموران جاسوسی غرب، ناشر انگلیسی را برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر، بار دیگر راهی مسکو می‌کنند.

ناشر، که "بارلی" است در دام عشق همسر دانشمند روسی می‌افتد و در برابر حیرت لندن و واشنگتن، در یک مخمصه، می‌کوشد تا او را یاری داده و رهایی بخشد.

"بارلی"، در یک نمایشگاه در مسکو، به سه کتابچه دست پیدا می‌کند که در آنها، با طراحیهای فنی و ریاضی، اطلاعات محرمانه و نظامی شوروی را بازگو می‌کنند.

"لوکاره"، تصویری از شوروی امروز، نقش می‌کند. از مسکو و لنینگراد در فضای تازه سیاسی که دامنگیر آنها شده است. رنگ و حوادث آن، جذاب‌اند. آنچه در شوروی امروز رخ می‌دهد، هیجان‌انگیز است. دخترک درباره این فضای تازه می‌گوید:

اگر یخ، نازک است، باید به تندی از روی آن گذشت، اگر نه با آب شدن یخ، همه چیز از بین می‌رود.

و "بارلی" می‌گوید:

ایسم‌های کهنه مردانند، تضاد بین کمونیسم و سرمایه‌داری با ناله‌ای اشکیار، از بین رفته است.

کتاب "خانه" روسی، اندیشه‌برانگیز است و "لوکاره"، هرگز پیش از این، به این حد، ستایش‌برانگیز نبوده است.

بنیاد و آرشيو بکت نتیجه رابطه غیرمعمولی است که بکت با دانشگاه ردینگ دارد. فاجرا از سال ۱۹۷۵، یک سال بعد از آن که بکت جایزه نوبل در ادبیات را برد آغاز می‌شود، که نولسون به کتابدار دانشگاه پیشنهاد کرد نمایشگاهی از کتاب‌های بکت عرضه کند. از نظر نولسون مهم نبود که آنها در کتابخانه حتی یک کتاب از بکت ندارند. صدها نامه به اطراف و اکناف دنیا نوشت و تقاضا کرد کتاب‌های او را به دانشگاه ردینگ امانت بدهند. نولسون که از انزجار بکت درباره آثارش مطلع بود تصمیم گرفت مزاحم هنرمند ارجمند نشود. اما وقتی در پاریس بود به او اطلاع دادند که بکت مایل به دیدار او است. بکت نه تنها پیشنهاداتی به او کرد، بلکه چند دست‌نوشته و یادداشت نیز به او وام داد که بعدها به دانشگاه هدیه شد. دیگر برای من عادی بود که هر کار جدیدی را پیش از چاپ و به صورت دست‌نوشته یا تایپ شده بخوانم.

دست‌ودلبازی بکت غیرعادی بوده است. در این آرشيو دهها دست‌نوشته منتشر نشده از شعرهای ناتمام گرفته تا قطعات بلند نثر موجود است. همچنین این مجموعه شامل نسخه شخصی مندرس و حاشیه‌نویسی شده بکت از کتاب پروست است. و تقریباً تمام نوشته‌های اخیر او - که همگی توسط خود بکت هدیه شده است.

چیزهای مورد علاقه خود نولسون دو دفترچه یادداشت درباره کودو است. یک کتابچه جلدسبز ارزان قیمت و یک دفتر بزرگ جلدقرمز که حاوی یادداشت‌هایی است که بکت با دقت و وسواس به هنگام یکی از اجراهای این نمایشنامه در آلمان در سال ۱۹۷۵ نوشته است. و نسخه‌ای از کتاب جیبی آن چاپ فابر که بکت حاشیه‌نویسی کرده است. دانشگاه ردینگ اکنون دارنده بزرگترین مجموعه از "یادگارهای بکت" بعد از دانشگاه آوسپین در نگراس است که اکثر دست‌نوشته‌های اوایل کار بکت از سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۶۵ را جمع‌آوری کرده است.

می‌گویند درباره عیسی مسیح، ناپلئون و واگنر بیشتر از هر شخصیت دیگری کتاب نوشته شده است. ناشر بکت پیش‌بینی می‌کند تا سال ۲۰۵۰، اگر سیلان فعلی ادامه پیدا کند، ساموئل بکت ممکن است نفر چهارم این اشخاص بشود. مرکز این توجه اکنون دانشگاه ردینگ در انگلستان است.

ساندی تایمز بوکر - ژانویه ۱۹۸۹

\*Alice Springs

شهرک کوچکی در قلب استرالیا یا جمعیتی معادل هشت هزار سکنه.

منتشر شده اوست بر روی جلد نوشته دارد. در این کتابچه برای نخستین بار نام کتابهایی که در دوران شکل‌گیری ذهنی بکت در سالهای ۱۹۳۵ در آلمان بر او تاثیر گذاشته‌اند فاش می‌شود این کتاب معمولی عرصه وسیع کتابهایی را که او خوانده است عرضه می‌کند، از فلسفه تا ادبیات و علوم و شامل قطعاتی از جخوف، دانته، کالبدشناسی مالیخولیا اثر برتون، دن‌کیشوت، سروانتس و دهها کتاب دیگر است. بکت صفحاتی از نتهای شوپرت، نقل‌قولهایی از "مکتب رسوایی" اثر شریدان و "ایزای گداها" را رونویسی کرده است. در این کتابچه جملات پیگوبانه "محکوم به شهرت" از پاپ دونسیاد و "بدترین حالت آنقدر طولانی نیست مادامی که بتوانی بگویی، این بدترین است"، گفته ادگار در نمایشنامه شاه لیر شکسپیر، را نیز شامل می‌شود. در جای دیگر نطفه "مورفی" نخستین رمان او طرح شده و بکت نام یازده ناشری را که همگی آن را رد کرده‌اند ذکر می‌کند. موسسات همیشه همیلتون، جانو و فابریگمی به او "نه" گفتند.

از هم‌اکنون تشابه‌هایی میان این یادداشت‌ها و کشف یادداشت‌های ساموئل کولهریج که درک دانشگاهیان را از آثار او دگرگون کرد صورت گرفته است. به قول پروفیسور جیمز نولسون، مدیر بنیاد و یکی از دوستان خوب بکت، "درست مثل آن است که ما بدانیم شکسپیر در صعب‌ترین دوره‌ای که آثارش را می‌نوشت چه می‌خواند و می‌آموخت. این یادداشت‌ها بعد تازه‌ای به آموزش دانشجوی آثار بکت می‌بخشد. چیزهایی را ثابت می‌کند که ما فقط حدس می‌زدیم - عرصه مطالعات او در آن زمان حقیقتاً خارق‌العاده است."

در این بنیاد نوپا هرولد پینتر و تام اسپارد نیز عضو هستند. بنیاد تلاش خواهد کرد تا عطش ظاهر را سیری‌ناپذیر محققان و دانشجویان آثار بکت را سیراب کند. به قول یکی از اساتید ادبیات دانشگاه ردینگ "بکت در دوران زندگی‌اش چنان احترام و بزرگداشتی برخوردار شده که تاکنون نصب هیچ نویسنده‌ای نشده است."

از هم‌اکنون محققانی از کشورهای چون ژاپن و لهستان از آرشيو دانشگاه ردینگ استفاده می‌کنند. هیچ نویسنده دیگری چنین جذابیت جهانی ندارد. "پایان بازی" به زبان اسکیمویی در یک ایگلو شفاف اجرا شده. "در انتظار کودو" در سی مایلی آلیس اسپرینگز\* اجرا شده و تکرخت منزوی آن اغلب مورد استفاده سگ‌های بومی قرار می‌گیرد. ترجمه آثار بکت به زبان‌های ژاپنی، سوئدی و لهستانی موجود است (نویسنده به ترجمه آثار بکت به فارسی اشاره ندارد. ظاهراً چون بدون اطلاع صاحب اثر بوده م.)